

## از ساختار تا معنا: بازنمایی هویت فرهنگی بختیاری در قالیچه تصویری

### خسرو و شیرین

افسانه قانی\*

#### چکیده

قالیچه‌های تصویری، بخشی از میراث هنری ایران، در دوره قاجار با تأثیرپذیری از نقاشی غربی و ادبیات غنایی شکل گرفتند و به ابزاری برای تجلی هویت فرهنگی و خلاقیت بافندگان تبدیل شدند. این پژوهش به تحلیل ساختار و معنای یک قالیچه بختیاری با مضمون «خسرو و شیرین» نظامی می‌پردازد تا نقش خلاقیت بافنده و بازنمایی هویت فرهنگی را روشن کند. اهمیت این مطالعه در پر کردن شکاف پژوهشی درباره قالیچه‌های تصویری بختیاری، ارائه دیدگاهی نو به پیوند ادبیات و هنر فرش، و برجسته کردن نقش کنشگری بافنده در حفظ هویت بومی در برابر مدرنیته است. سؤال محوری پژوهش این است: این قالیچه چگونه از طریق ساختار، محتوا و خلاقیت بافنده، هویت فرهنگی بختیاری را بازتاب می‌دهد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از نشانه‌شناسی برای تحلیل محتوای بصری و انسان‌شناسی هنر برای بررسی کنشگری بافنده بهره می‌گیرد. داده‌ها از مشاهده مستقیم نمونه‌های مشابه، احیاء طراحی قالیچه، و مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که ساختار قالیچه، با طرح و نقش شکسته و ذهنی، تکنیک تک‌پود، و رنگ‌های محدود طبیعی (مانند قرمز، کرم، زرد و آبی تیره)، سادگی عشایری را حفظ کرده و با محیط زیست بختیاری هم‌خوان است. از نظر محتوا، صحنه شکارگاه، عشق عارفانه را مشابه قالی‌های قاجاری لیلی و مجنون بازنمایی می‌کند؛ اما شیرین با ردایی پوشیده (پیراهن بلند) و طراحی خیالی‌نگارانه، از تصاویر فرنگی متمایز است. از منظر

---

\* دانشیار گروه فرش، دانشکده هنر و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، ایران Ghani@sku.ac.ir

انسان‌شناسی، قالیچه نتیجه کنشگری بافنده‌ای است که با انتخاب‌های خلاقانه و نوآورانه، داستان نظامی را با تجربه زیسته خود تلفیق کرده و در برابر نفوذ مدرنیته مقاومت نشان داده است. این مطالعه بر پیوند ساختار، محتوا، و هویت تأکید دارد و خلاقیت بافنده را عامل کلیدی در بازآفرینی مضامین ادبی می‌داند.

واژه‌های کلیدی: انسان‌شناسی هنر، خسرو و شیرین، خلاقیت، قالیچه تصویری بختیاری، نشانه‌شناسی، هویت فرهنگی

#### ۱- مقدمه

فرش به‌عنوان یکی از کهن‌ترین هنرهای سنتی ایرانی، در طول تاریخ نه‌تنها کارکردی اقتصادی و کاربردی داشته، بلکه به‌مثابه رسانه‌ای برای بازنمایی فرهنگ، باورها، و هویت جوامع مختلف عمل کرده است. در این میان، قالیچه‌های تصویری که از دوره قاجار در ایران رواج یافتند، نشان‌دهنده تحولی چشمگیر در این هنر هستند که اولین زرمه‌های تصویرسازی و تصویربافی یا به قول پرویز تناولی بافت قالیچه‌های صورتی (تناولی، ۱۳۶۸: ۹)، در پی نفوذ شیوه‌های نقاشی غرب به ایران صورت گرفت (ژوله، ۱۳۹۰: ۳۹). این آثار، که اغلب مضامین ادبی، مذهبی، و اساطیری را به تصویر می‌کشند، تحت تأثیر جریان‌های فرهنگی و هنری نوظهور شکل گرفتند و به‌تدریج به ابزاری برای بیان خلاقیت بافندگان تبدیل شدند (تناولی، ۱۳۶۸). در این میان قالیچه‌های تصویری بختیاری از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ این آثار نه‌تنها نقش تزئینی داشتند، بلکه به‌عنوان حاملان معانی اجتماعی و فرهنگی، بازتاب‌دهنده زندگی و هویت این قوم بوده و هستند (نوری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۳).

دوره قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ ه.ش)، به‌عنوان مقطعی از تاریخ ایران که شاهد تعاملات گسترده با غرب و ورود عناصر مدرنیته بود، بستر مناسبی برای تحولات هنری فراهم کرد (نفیسی، ۱۳۴۵: ۶). این تعاملات، که از طریق تجارت، سفر و فناوری‌های جدید مانند عکاسی و چاپ به ایران راه یافتند، بر هنرهای سنتی از جمله فرش تأثیر گذاشتند

(آهنی، ۱۴۰۳: ۱۰۱). تناولی ظهور قالیچه‌های تصویری در بیشتر نقاط ایران را نتیجه نفوذ نقاشی غربی و عکاسی می‌داند و معتقد است که این عوامل، طراحی قالی‌ها را از نقوش هندسی به سوی تصاویر روایی سوق داد (تناولی، ۱۳۶۸)؛ با این حال بختیاری‌ها، به دلیل شیوه زندگی کوچ‌نشینی و دوری نسبی از مراکز شهری، توانستند سنت‌های خود را تا حد زیادی حفظ کنند، هرچند به‌طور کامل از این جریان‌های نوین برکنار نماندند (ژوله، ۱۳۸۱). قالیچه‌های تصویری بختیاری نمونه‌ای از این تلفیق هستند؛ آثاری که هم ریشه در سنت‌های بومی دارند و هم نشانه‌هایی از نفوذ فرهنگ قاجاری و عناصر غربی را در خود جای داده‌اند. داستان خسرو و شیرین، یکی از منظومه‌های غنایی خمسه نظامی، به دلیل جذابیت روایی و بصری‌اش، و اغلب با صحنه‌هایی مانند شکارگاه در این نوع قالیچه‌ها به تصویر کشیده شده است که با ذهنیت و تجربه زیسته بافندگان عشایری ارتباط نزدیکی دارد. این پژوهش از چند جنبه دارای اهمیت است: نخست، قالیچه‌های تصویری بختیاری به دلیل کمبود مطالعات جامع، مغفول مانده‌اند و این نوشتار می‌کوشد این خلأ را پر کند. دوم، تحلیل پیوند ادبیات غنایی و هنر فرش، دیدگاه جدیدی به تعاملات میان‌رشته‌ای در مطالعات هنری ارائه می‌دهد. سوم، تأکید بر نقش بافنده به‌عنوان کنشگری خلاق، درک عمیق‌تری از فرآیند خلق این آثار در بستر فرهنگ عشایری فراهم می‌کند؛ لذا پژوهش حاضر با هدف تحلیل ساختار و معنای قالیچه بختیاری با مضمون خسرو و شیرین، سعی در پاسخ به این سؤال دارد که: قالیچه بختیاری با مضمون خسرو و شیرین چگونه از طریق ساختار، محتوا، و خلاقیت بافنده، هویت فرهنگی این قوم را بازنمایی می‌کند؟ پاسخ به این سؤال از طریق رویکردی ترکیبی، شامل نشانه‌شناسی سوسور برای تحلیل محتوای بصری<sup>۱</sup> (Saussure, 1916) و انسان‌شناسی هنر جل برای بررسی کنشگری بافنده<sup>۲</sup> (Gell, 1998)، دنبال شده است.

این پژوهش از چند جنبه دارای اهمیت است: نخست، قالیچه‌های تصویری بختیاری از نوع مورد مطالعه این تحقیق، کمتر مورد توجه پژوهش‌های جامع قرار گرفته‌اند و

این مطالعه تلاش دارد تا حد امکان این شکاف را پر کند. دوم، بررسی پیوند میان ادبیات غنایی و هنر فرش، دیدگاه جدیدی به تعاملات میان‌رشته‌ای در مطالعات هنری ارائه می‌دهد (شوقی و کشاورز افشار، ۱۳۹۹). سوم، تأکید بر نقش بافنده به‌عنوان کنشگری خلاق، برخلاف دیدگاه‌های سنتی که اغلب فرش را صرفاً محصولی مادی می‌بینند، درک عمیق‌تری از فرآیند خلق این آثار فراهم می‌کند (Gell, 1998: 20). این پژوهش با تمرکز بر یک قالیچه خاص، به دنبال آن است تا نشان دهد چگونه انتخاب‌های بافنده در ساختار، رنگ، و مضمون، نه تنها بازتاب‌دهنده هویت فرهنگی اوست، بلکه بیانگر تعامل او با محیط زیست و تحولات زمانه‌اش نیز هست (قانی و مهرابی، ۱۳۹۷: ۴۸).

ساختار این مقاله به‌گونه‌ای طراحی شده که ابتدا پیشینه پژوهش‌های مرتبط را مرور کند تا جایگاه مطالعه حاضر در میان تحقیقات موجود روشن شود. سپس، روش پژوهش با جزئیات تشریح می‌شود تا چارچوب تحلیلی مشخص گردد. در بخش تحلیل و یافته‌ها، ساختار، محتوا، و معنای قالیچه به‌صورت گام‌به‌گام بررسی شده و در نهایت، نتیجه‌گیری، جمع‌بندی یافته‌ها و پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آینده ارائه می‌دهد. این مقاله امیدوار است با ارائه تحلیلی مناسب، به شناخت بهتر قالیچه‌های تصویری بختیاری و نقش آن‌ها در بازنمایی فرهنگ و خلاقیت کمک کند و زمینه‌ساز مطالعات گسترده‌تر در این حوزه باشد.



تصویر ۱ سمت راست: به هم رسیدن خسرو و شیرین در شکارگاه، قالیچه بختیاری بافته شده در سال

۱۹۳۰ میلادی، ابعاد: ۱۱۶ × ۲۰۲

([Http://pinterest.com](http://pinterest.com)). تاریخ بازدید از سایت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰.

تصویر ۲. سمت چپ: طرح احیاء شده قالی با موضوع صحنه شکار خسرو و شیرین

## ۲- پیشینه تحقیق

این بخش، با هدف شناسایی جایگاه پژوهش حاضر، به مرور منابع مرتبط در چهار حوزه اصلی می‌پردازد: (۱) تاریخچه و تحولات قالیچه‌های تصویری (۲) بازنمایی مضامین ادبی (۳) هویت فرهنگی و نقش زنان در قالی‌بافی (۴) دیدگاه‌های انسان‌شناختی. این ساختاربندی، چارچوبی مناسب برای تحلیل ساختار، معنا، و هویت فرهنگی در قالیچه بختیاری با مضمون «خسرو و شیرین» فراهم می‌کند که هر حوزه در ادامه تشریح و تحلیل می‌شود.

- تاریخچه و تحولات قالیچه‌های تصویری: پژوهش‌ها نشان می‌دهند که قالیچه‌های تصویری در دوره قاجار تحت تأثیر تعاملات فرهنگی با غرب، به‌ویژه از طریق

فناوری‌هایی مانند عکاسی و چاپ سنگی، پدید آمدند. تناولی (۱۳۶۸: ۲۳-۲۵) این آثار را بر اساس مضامین ادبی، مذهبی، و پادشاهی دسته‌بندی کرده و ظهور آن‌ها را نتیجه نفوذ نقاشی غربی می‌داند که طراحی‌ها را از نقوش هندسی و ساده به تصاویر روایی سوق داد. ژوله (۱۳۹۰: ۳۹-۴۱) نیز بر نقش صنعت چاپ در انتقال الگوهای جدید تأکید دارد و تکنیک تک‌پود را ویژگی بارز قالی‌های عشایری معرفی می‌کند که سادگی و کاربردی بودن را تضمین می‌کند. رشادی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود، با بررسی سیر تحول تصویربافی، به قالی‌های لیلی و مجنون و خسرو و شیرین اشاره کرده و تأثیر فرهنگ قاجار را بر این آثار نشان داده است. این مطالعات، بستر تاریخی قالیچه‌های تصویری را روشن می‌کنند؛ اما کمتر به تفاوت‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در قالی‌بافی بختیاری، پرداخته‌اند. این شکاف، ضرورت تمرکز بر ویژگی‌های خاص قالیچه‌های تصویری بختیاری را در پژوهش حاضر برجسته می‌کند.

- بازنمایی مضامین ادبی: مضامین ادبی خمسه نظامی، به‌ویژه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون، در قالی‌های تصویری قاجار جایگاه ویژه‌ای دارند. شوقی (۱۳۹۵: ۷۸-۸۰) نشان داده که صحنه «به هم رسیدن خسرو و شیرین در شکارگاه» از پربسامدترین تصاویر است و جذابیت بصری آن را به روایت عاشقانه نسبت می‌دهد. شوقی و کشاورز افشار (۱۳۹۹: ۶-۱۰) با تحلیل قالی‌های لیلی و مجنون، چهار صحنه اصلی (دیدار، عروسی لیلی، شکایت مجنون، دیدار با او) را شناسایی کرده‌اند و تحول عشق عارفانه قاجاری به عشق زمینی معاصر را ردیابی کرده‌اند. همچنین، رحیم‌پور و ارشادی (۱۴۰۲) در پژوهشی درباره جایگاه پیکره‌های زنانه و مردانه در قالیچه‌های تصویری سیستان با تأکید بر قالیچه‌های خواجه حافظ و خسرو و شیرین، با روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل کیفی ۱۶ تخته قالیچه کهنه‌باف سیستانی را تحلیل کرده و نشان داده که پیکره‌های انسانی، عمدتاً در متن قالی و به‌ندرت در حاشیه‌ها، در سه بخش عمودی با بازنمایی داستان یا تکرار پیکره‌ها قرار گرفته‌اند. حضور پررنگ پیکره‌های زنانه، نقش برجسته زنان در فرهنگ و سبک زندگی سیستانی را نشان

می‌دهد و ریشه‌های تاریخی و هویتی این منطقه را بازتاب می‌دهد. هرچند طرح‌های خواجه حافظ و خسرو و شیرین اقتباسی از نسخه‌های مصور ادبی هستند، بازنمایی آن‌ها در قالیچه‌های سیستان با سنت‌های بومی آمیخته شده و در طرح خواجه حافظ، پیکره‌ها تحت تأثیر فرهنگ پیکره‌نگاری قاجاری، فضای ادبیات تغزلی و عاشقانه را بازنمایی می‌کنند. این پژوهش‌ها زمینه مقایسه با قالیچه بختیاری را فراهم می‌کنند؛ اما به بازنمایی این مضامین در قالیچه‌های تصویری بختیاری کمتر توجه شده است. این محدودیت، اهمیت بررسی مضمون خسرو و شیرین در بستر قالی‌های بختیاری را در مطالعه حاضر نشان می‌دهد.

- هویت فرهنگی و نقش زنان: هویت فرهنگی و بازنمایی زنان در قالی‌های تصویری موضوع مطالعات متعددی بوده است. باقری‌زاده و میرزایی (۱۴۰۲: ۱۱۵-۱۱۱) تصاویر زنان قاجاری را به دو دسته خیالی‌نگارانه (متأثر از نگارگری) و واقع‌گرایانه (متأثر از عکاسی) تقسیم کرده‌اند و آن را نتیجه تحولات اجتماعی و نفوذ مدرنیته می‌دانند. آهنی (۱۴۰۳: ۱۰۱-۱۰۳) ظهور «زن فرنگی» را با لباس‌های غربی و ژست‌های مدرن به اسطوره مدرنیته پیوند می‌دهد، در حالی که نوری و همکاران (۱۳۹۹: ۲۵۶-۲۵۳) در قالی‌های عشایری با نقش «نُه زن»، به تفاوت پوشش زنان با هنجارهای سنتی اشاره دارند. این مطالعات، هویت و جنسیت را بررسی کرده‌اند؛ اما پیوند آن با مضامین ادبی در قالیچه‌های تصویری بختیاری کمتر مورد کاوش قرار گرفته است.

- دیدگاه‌های انسان‌شناختی: انسان‌شناسی هنر، قالی را نه تنها یک شیء مادی، بلکه محصولی از کنشگری فرهنگی می‌بیند. جل (۱۹۹۸: ۲۰-۷) در نظریه خود، آثار هنری را اشیایی کنشگر می‌داند که ذهنیت و خلاقیت سازنده را منتقل می‌کنند. این دیدگاه در تحلیل قالی‌های عشایری کمتر به کار رفته، اما قانی و مهرابی (۱۳۹۷، ۳۷-۴۰) با استفاده از رویکرد آیکونولوژی پانوفسکی، در یک قالیچه تصویری بختیاری با مضمون معراج، نقش بافنده را در خلق معنا و انتقال معانی فرهنگی بررسی کرده‌اند. کاربرد این رویکرد در مطالعه حاضر، درک عمیق‌تری از خلاقیت بافنده بختیاری ارائه می‌دهد. این

پژوهش با تحلیل قالیچه خسرو و شیرین از طریق نشانه‌شناسی و انسان‌شناسی هنر، شکاف‌های موجود را پر می‌کند و بر پیوند ساختار، محتوا، و هویت تأکید دارد.

#### ۴- روش انجام پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ساختار و معنای قالیچه تصویری بختیاری با مضمون «خسرو و شیرین» می‌پردازد تا نقش خلاقیت بافنده و بازنمایی هویت فرهنگی را تحلیل کند. سؤال محوری پژوهش این است که ساختار و محتوای قالیچه چگونه شکل گرفته و چه جنبه‌هایی از هویت فرهنگی بختیاری را بازتاب می‌دهد؟ برای پاسخ به این سؤال، از رویکردی ترکیبی استفاده شده است که هم ویژگی‌های مادی و بصری قالیچه را توصیف می‌کند و هم معانی عمیق‌تر آن را در بستر زندگی بافنده تفسیر می‌نماید.

- چارچوب نظری: دو رویکرد نظری در این مطالعه به کار گرفته شده‌اند: نشانه‌شناسی سوسور (Saussure, 1916: 16-20) برای تحلیل محتوای بصری و معنایی قالیچه، و انسان‌شناسی هنر جل (Gell, 1998: 7-20) برای بررسی قالیچه به‌عنوان یک شیء کنشگر در بستر اجتماعی و فرهنگی. نشانه‌شناسی، عناصر بصری (مانند خسرو، شیرین، نقوش گیاهی و جانوری) را به‌عنوان نشانه‌هایی با معانی نمادین تحلیل می‌کند، در حالی که انسان‌شناسی هنر، قالیچه را محصولی از خلاقیت و ذهنیت بافنده می‌بیند که با جامعه و محیط خود تعامل دارد. این ترکیب، امکان بررسی همزمان ساختار مادی، محتوای روایی، و نقش خلاقیت بافنده را فراهم می‌کند.

- جامعه آماری و نمونه‌گیری: جامعه آماری شامل قالیچه‌های تصویری بختیاری با مضامین ادبی است که داستان خسرو و شیرین در آن‌ها بازنمایی شده است. از این میان، یک قالیچه خاص با ابعاد تقریبی ۲۰۲ × ۱۱۶ سانتی‌متر و مضمون «به هم رسیدن خسرو و شیرین در شکارگاه» به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد (تصویر ۱). معیارهای انتخاب شامل وضوح مضمون ادبی، طرح، نقوش، رنگ‌های محدود و طبیعی

و قدمت بود. این قالیچه به عنوان نمونه‌ای برجسته، تحلیل عمیق پیوند ساختار، محتوا، و هویت فرهنگی را ممکن ساخت.

- روش گردآوری داده‌ها: به دلیل عدم دسترسی مستقیم به قالیچه موردنظر، داده‌ها از دو منبع اصلی جمع‌آوری شدند: (۱) مشاهده مستقیم قالیچه‌های مشابه در مجموعه‌های شخصی (حیدریان، گفت‌وگوی حضوری: ۱۴۰۲ و صمدی بهرامی: ۱۴۰۳)، که ویژگی‌های بصری (ابعاد، نقوش، رنگ‌ها، ترکیب‌بندی) و فنی (تکنیک بافت و مواد اولیه) را ثبت کرد؛ (۲) مطالعات کتابخانه‌ای، شامل بررسی منابع مکتوب (کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها) و تصاویر موجود در پایگاه‌های آنلاین. ابزار گردآوری شامل یادداشت‌برداری از مشاهدات و استخراج اطلاعات از پژوهش‌های پیشین، مانند آثار تناولی، شوقی و کشاورز افشار، و آهنی بود. محدودیت اصلی، نبود اطلاعات مستند درباره بافنده و تاریخ دقیق بافت بود که با تکیه بر مقایسه با نمونه‌های مشابه، ویژگی‌های ساختاری و مصاحبه با مطلعین کلیدی جبران شد.

- مراحل تحلیل: که در سه مرحله انجام می‌شود: (۱) مطالعه ساختاری، که ویژگی‌های بصری و فنی قالیچه (ترکیب‌بندی، نقوش، رنگ‌ها، تکنیک بافت و مواد اولیه) را توصیف می‌کند؛ (۲) مطالعه محتوایی، که با نشانه‌شناسی، معانی نمادین عناصر بصری را کشف و با قالی‌های مشابه (مانند لیلی و مجنون) تطبیق می‌دهد؛ (۳) تحلیل انسان‌شناختی، که قالیچه را به عنوان محصولی از کنشگری بافنده در بستر زندگی عشایری تفسیر می‌کند که در ادامه تحلیل و یافته‌ها ارائه خواهند شد.

۵- مطالعه ساختاری و محتوایی قالیچه تصویری بختیاری با مضمون خسرو و

### شیرین

- مطالعه ساختاری

قالیچه تصویری بختیاری مورد مطالعه، با موضوع صحنه شکار خسرو و شیرین، اثری است که ساختار آن بازتاب‌دهنده ویژگی‌های فنی و زیبایی‌شناختی قالی‌بافی عشایری است. این قالیچه با ابعاد تقریبی ۲۰۲ × ۱۱۶ سانتی‌متر، در سال ۱۹۳۰

میلادی (۱۳۰۹ ه.ش) در منطقه بختیاری بافته شده و با بررسی نمونه‌های مشابه مشخص شد از رنگریزی طبیعی، پشم دستریس، تکنیک تک‌پود و چله پشمی (حیدریان، گفت‌وگوی حضوری: ۱۴۰۲) بهره می‌برد که یکی از ویژگی‌های بارز قالی‌های تخت‌باف عشایری است؛ روشی که بافت را سبک و انعطاف‌پذیر می‌کند و مناسب زندگی کوچ‌نشین بختیاری‌هاست. ترکیب‌بندی قالیچه شامل زمینه و یک حاشیه بزرگ است که با نقوش شکسته و ذهنی بافته شده‌اند. زمینه قالیچه، صحنه شکار را به تصویر می‌کشد که چهار کاراکتر انسانی و یک اسب را در بر می‌گیرد. در نیمه پایینی، شیرین، شاهزاده ارمنی خمسه نظامی، نشسته در میان دو ندیمه‌اش دیده می‌شود. بافنده با کوچک‌تر کردن پیکر شیرین و زاویه دادن به کمر او، حالت نشسته را به خوبی نشان داده است. شیرین ردایی بلند و ساده بر تن دارد که با شالی بر کمر از لباس‌های دو ندیمه متمایز می‌شود؛ ندیمه‌هایی که به صورت قرینه با تفاوت‌هایی در جهت سر، رنگ لباس، و فرم کفش‌ها طراحی شده‌اند. چهره‌های این سه کاراکتر، به صورت چندضلعی و با خطوط شکسته ترسیم شده‌اند و ویژگی‌هایی چون لب‌های کوچک، بینی باریک، ابروهای به هم پیوسته، و مژه‌های بلند دارند. مشخصاتی که با معیارهای زیبایی قاجاری، مانند صورت گرد و چشمان درشت، هم‌خوانی دارد (ذکاء، ۱۳۳۶: ۴۳). در نیمه بالایی، خسرو پرویز سوار بر اسب در حال حرکت است. اسب به صورت نیم‌رخ بافته شده؛ اما افزودن چشم‌ها، ابروها، و بینی، دیدی از روبرو را القا می‌کند. انتخاب صحنه شکارگاه، که در آن خسرو و شیرین در طبیعت دیدار می‌کنند، تأثیر محیط زیست بختیاری را نشان می‌دهد. شکار در فرهنگ عشایری، بخشی از زندگی روزمره و نمادی از قدرت و بقا بوده است. این انتخاب، ذهنیت بافنده را بازتاب می‌دهد که داستان ادبی را با تجربه زیسته خود پیوند داده است.

قالیچه‌های بختیاری از پالت رنگی محدودی استفاده می‌کنند، اما این رنگ‌ها پخته و هماهنگ با طبیعت منطقه‌اند. رنگ‌های رایج شامل قرمز و قرمز تیره (قارایی)، کرم، سورمه‌ای، آبی (آبی‌خانی)، زرد، سبز تیره، و گاه سفید و قهوه‌ای هستند. سادگی و

محدودیت پالت رنگی در قالی‌های عشایری، از جمله بختیاری، نتیجه دسترسی به منابع طبیعی و فلسفه زندگی ساده کوچ‌نشینی است (Tanavoli, 1989). این رنگ‌ها با استفاده از رنگرزی طبیعی به‌دست می‌آیند و فراتر از جنبه تزئینی، حامل معانی فرهنگی و هویتی‌اند. قرمز تیره نمادی از شجاعت و پیوند با خاک زاگرس است (کریمی، گفت‌وگوی حضوری: ۱۴۰۲). کرم و سفید، که اغلب در زمینه قالیچه‌ها استفاده می‌شوند، پاکی و سادگی زندگی عشایری را بازتاب می‌دهند. سورمه‌ای و آبی که بیشتر در نقوش شکسته و تجریدی دیده می‌شود، با آب و زندگی پیوند دارد و در فرهنگ بختیاری نمادی از پایداری است. این رنگ‌ها، همراه با نقوش هندسی مانند گل‌های هشت‌پر و شاه‌عباسی، هویت، سادگی و مقاومت فرهنگی را در برابر نفوذ الگوهای شهری حفظ کرده‌اند (صمدی بهرامی، گفت‌وگوی حضوری: ۱۴۰۳). حاشیه قالیچه با نقوش شکسته گل‌های هشت‌پر و شاه‌عباسی بزرگ، برگ‌های بزرگ، و ساقه‌ها تزئین شده که به‌صورت تکرارشونده بافته شده‌اند. گل‌های شاه‌عباسی نیز که در گوشه‌ها به‌صورت نصفه بافته شده‌اند، نشانه‌ای از ذهنی‌بافی بودن این اثر است. این نقوش، همراه با گره متقارن (ترکی) و تکنیک تک‌پود استحکام و سادگی ساختار را نشان می‌دهند؛ اما عدم تقارن کامل در برخی جزئیات، خلاقیت فردی بافنده را آشکار می‌کند. به این ترتیب، قالیچه نه‌تنها یک اثر هنری، بلکه محصولی از مهارت فنی و ذهنیت بافنده در بستر زندگی عشایری است. در تصویر شماره ۳، چند نمونه قالی بختیاری مشاهده می‌شود که در یک مطالعه ساختاری در حیطه رنگ، شباهت بین این تصاویر و تصویر قالیچه مد نظر پژوهش حاضر قابل مشاهده است.

انسان‌شناسی هنر در این قسمت نشان می‌دهد که ساختار قالیچه (نقوش شکسته، تکنیک تک‌پود، رنگ‌های طبیعی و ...) صرفاً نتیجه مهارت فنی نیست، بلکه بازتابی از شرایط زندگی کوچ‌نشینی و دسترسی به منابع محلی است. این رویکرد با تأکید بر کنشگری بافنده، انتخاب‌های او در بافت را به‌عنوان پاسخی به نیازهای کاربردی و زیبایی‌شناختی جامعه بومی‌اش تحلیل می‌کند و لایه‌ای عمیق‌تر به توصیف ساختاری

اضافه می‌کند. همانطور که جل تأکید دارد که اشیاء هنری، (قصد) و خلاقیت سازنده خود را منتقل می‌کنند. انتخاب صحنه شکارگاه، حذف حیوانات (برخلاف قالی‌های لیلی و مجنون)، استفاده از نقوش گیاهی تجریدی و سادگی پوشش شیرین، به‌عنوان تصمیم‌های خلاقانه بافنده تحلیل شدند که با تجربه زیسته او در محیط بختیاری و تفسیر شخصی‌اش از داستان نظامی پیوند دارند. این رویکرد، برخلاف روش‌های سنتی که ممکن بود صرفاً به توصیف نقوش یا مضمون ادبی بسنده کنند، به ما امکان داد تا قالیچه را به‌عنوان محصولی از کنشگری انسانی ببینیم که بافنده از طریق آن، داستان را بازآفرینی کرده و هویت خود را در آن گنجانده است.

بر اساس نشانه‌شناسی سوسور (1916, pp:112-134) ساختار این قالیچه، نظامی از دال‌ها و مدلول‌های به هم پیوسته را نمایش می‌دهد. تکنیک تک‌پود به‌عنوان یک دال فنی، همزمان مدلول‌های "کارایی در زندگی کوچ‌نشینی" و "سادگی عشایری" را حمل می‌کند. از منظر جل (1998, pp:58-89)، این انتخاب فنی نه تنها پاسخ به نیازهای محیطی است، بلکه کنشگری آگاهانه بافنده در حفظ سنت‌های بومی محسوب می‌شود. ترکیب‌بندی اثر با نقوش شکسته و رنگ‌های طبیعی (روناس، گندل و نیل) از سویی نشانگر پیوند با محیط زیست (سوسور، ۱۳۴) و از سوی دیگر بیانگر مقاومت در برابر الگوهای مسلط شهری (جل، ۱۱۲) است.



تصویر ۳. الف. قالیچه تصویری بختیاری هینه‌گان(قانی و مهرابی، ۱۳۹۷: ۹۹).

ب. قالیچه آنتیک خشتی آبادچی ([Http://Pinterest.com](http://Pinterest.com)), تاریخ بازدید از سایت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۹. و

ج. قالیچه آنتیک تصویری بختیاری ([Https://www.mollaiianrugs.com](https://www.mollaiianrugs.com)), تاریخ بازدید از

سایت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰.

#### – مطالعه محتوایی

داستان خسرو و شیرین، یکی از منظومه‌های غنایی خمسه نظامی گنجوی، روایتی عاشقانه از زندگی خسرو پرویز، پادشاه ساسانی، و شیرین، شاهزاده ارمنی، ارائه می‌دهد. در این قالیچه، صحنه «به هم رسیدن خسرو و شیرین در شکارگاه» بازنمایی شده که شوقی (۱۳۹۵) آن را یکی از پربسامدترین صحنه‌ها در قالی‌های تصویری قاجار می‌داند. این صحنه، لحظه‌ای کلیدی است که خسرو، سوار بر اسب، با شیرین که در طبیعت نشسته است، دیدار می‌کند. حضور دو ندیمه در اطراف شیرین، ترکیب‌بندی را متعادل کرده و به روایت بصری عمق می‌بخشد.

از منظر نشانه‌شناسی سوسور، عناصر قالیچه معانی نمادین دارند. اسب، که خسرو بر آن سوار است، نشانه قدرت، تحرک و سلطنت است و با شخصیت پادشاهی او هم‌خوانی دارد. از دیدگاه انسان‌شناسی هنر جل، اسب نه تنها نشانه خصوصیات خسرو

است؛ بلکه به عنوان شیئی کنشگر، هویت عشایری بختیاری را بازتاب می دهد. بافنده با انتخاب این نقش مایه، که ریشه در زندگی کوچ نشینی و شکار دارد، داستان نظامی را با تجربه زیسته خود (هویت مردانه، قدرت و شجاعت مرد، و ارتباط با طبیعت) پیوند زده است (کریمی، گفت و گوی حضوری: ۱۴۰۲) و در مقابل، حالت نشسته شیرین، که با ردایی پوشیده به تصویر کشیده شده، هویت زنانگی به خصوص آرامش و زیبایی را نیز بازتاب می دهد. جل شیرین را نماد زنانگی و هویت بومی می بیند که با پوشش محلی در برابر مدرنیته ایستاده، و ندیمه ها که با لباس های ساده تر ترسیم شده اند، تعادل بصری را تقویت می کنند و آنها را مکمل هایی برای تعادل و پیوند اجتماعی می داند. سوسور شیرین را نشانه زیبایی و عشق عارفانه، و ندیمه ها را نشانه فروتنی و همراهی تفسیر می کند. باقری زاده و میرزایی (۱۴۰۲) تصاویر زنان در قالی های قاجار را به دو دسته خیالی نگارانه (برگرفته از نگارگری و تخیل) و واقع گرایانه (متأثر از عکاسی و تصاویر غربی) تقسیم کرده اند. شیرین در این قالیچه، با موهای قهوه ای تزیین شده، چهره ای گرد و ساده، و ابروانی کمانی، در دسته خیالی نگارانه قرار می گیرد. این ویژگی ها با معیارهای زیبایی زنان در دوره قاجار، که شوقی و کشاورز افشار (۱۳۹۹) آن را شامل صورت گرد، چشمان درشت، و ابروان پهن و به هم پیوسته می دانند، هم خوان است؛ اما برخلاف قالی های شهری که گاه تحت تأثیر تصاویر چاپی، زنان را با جزئیات دقیق تر نشان می دهند، سادگی چهره شیرین در قالیچه مورد پژوهش، تخیل بافنده را برجسته می کند. آهنی (۱۴۰۳) ظهور زن فرنگی در قالی های قاجار را نتیجه تأثیر مدرنیته، عکاسی، و اسطوره «زن فرنگی» می داند. زن فرنگی اغلب با لباس های اروپایی، ژست های مدرن و پوشش ناکامل به تصویر کشیده شده که نشان دهنده فرنگی سازی در هنر قاجار است. در مقابل، شیرین در این قالیچه با ردایی پوشیده، که تا روی پاهایش را می پوشاند (پیراهن بلندی که نزد بختیاری ها جوه یا جومه نامیده می شود)، از الگوهای فرنگی فاصله دارد.

مقایسه قالی‌های خسرو و شیرین با قالی‌های لیلی و مجنون، که شوقی و کشاورز افشار (۱۳۹۹) آن‌ها را بررسی کرده‌اند، ابعاد دیگری از انسان‌شناختی هنر و محتوا را روشن می‌کند. در قالی‌های قاجاری لیلی و مجنون (تصویر ۲)، چهار صحنه اصلی (دیدار لیلی و مجنون، به خانه رفتن لیلی نوعروس، شکایت مجنون با خیال لیلی، و دیدار افراد با مجنون) شناسایی شده‌اند. پربسامدترین صحنه، «دیدار لیلی و مجنون» است که در آن دو عاشق با فاصله از هم تصویر شده‌اند و عشق عارفانه را بازتاب می‌دهند. در این قالیچه بختیاری نیز، فاصله میان خسرو و شیرین، مشابه قالی‌های قاجاری لیلی و مجنون، نشان‌دهنده عشقی غیرمادی و عرفانی است که با تفکر حاکم بر جامعه قاجار هم‌سو است. شوقی و کشاورز افشار اشاره می‌کنند که در دوره معاصر، این فاصله در قالی‌های لیلی و مجنون کاهش یافته و عشق زمینی‌تر شده است؛ اما قالیچه بختیاری، به سنت عارفانه وفادار مانده است. نقوش نمادین نیز در تحلیل محتوایی اهمیت دارند. گیاهان تجریدی، که به صورت خطوط شکسته و بدون جزئیات واقع‌گرایانه ترسیم شده‌اند، از دیدگاه انسان‌شناسی هنر بازتابی از طبیعت بختیاری و ذهنیت بافنده‌اند که به‌عنوان اشیایی کنشگر، می‌توانند نمادی از حیات پایدار در زندگی کوچ‌نشینی یا بستری خیالی برای عشق عارفانه باشند. از منظر نشانه‌شناسی، این گیاهان نشانه‌ای از آرامش و بهشت موعودی‌اند که بافنده با تخیل خود آن را با تجربه زیسته‌اش تلفیق کرده و فضایی هماهنگ با روایت نظامی ساخته است.

در قالی‌های لیلی و مجنون، شوقی و کشاورز افشار (۱۳۹۹) به نمادهایی چون آهو (معشوق)، بید مجنون (عشق ناکام)، و آب (حیات) اشاره کرده‌اند. در این قالیچه، نبود حیوانات (برخلاف قالی‌های لیلی و مجنون که حیوانات غمخوار مجنون را نشان می‌دهند) تمرکز را بر انسان‌ها قرار داده و شاید نشان‌دهنده اولویت بافنده در برجسته کردن رابطه خسرو و شیرین باشد. حذف حیوانات (برخلاف نسخه‌های ادبی) هم بیانگر محدودیت‌های فنی زندگی کوچ‌نشینی (سوسور) و هم نشانه تمرکز بر روابط انسانی (جل) است. با این حال، حضور گیاهان می‌تواند به‌طور غیرمستقیم طبیعت را

به‌عنوان بستری برای عشق بازنمایی کند، مشابه نقش آب و درختان در قالی‌های لیلی و مجنون.



تصویر ۴: قالی تصویری با موضوع دیدار لیلی و مجنون، دهج افشار، ۱۱۷۷ ه. ش / ۱۲۱۲ ه. ق، ۱۳۵ \*  
 ۱۴۰ سانتیمتر، رجشمار ۴۰، رنگرزی گیاهی، تار و پود: نخ پنبه، پرز: پشم. (منبع: شوقی، ۱۳۹۵: ۸۱).

جدول ۱. تحلیل ساختاری و محتوایی قالیچه بختیاری با رویکرد جل و سوسور (نگارنده، ۱۴۰۴)

| بخش | عنصر                    | ویژگی‌ها              | انسان‌شناسی هنر (جل)          | نشانه‌شناسی (سوسور)             |
|-----|-------------------------|-----------------------|-------------------------------|---------------------------------|
|     | تکنیک بافت و مواد اولیه | تک‌پود، پشم، دست‌ریس، | کنشگری بافنده در پاسخ به نیاز | دال کارایی و سادگی، مدلول زندگی |

|  |   |   |                   |         |
|--|---|---|-------------------|---------|
| عشایری                                   | کوچ‌نشینی، بازتاب<br>سادگی عشایری   | رنگ‌های پخته و<br>محدود   |                   | ساختاری |
| دال پیوند با طبیعت،<br>مدلول هویت بومی   | بازتاب ذهنیت بافنده و<br>مقاومت در برابر<br>پیچیدگی شهری  | زمینه (شکارگاه) +<br>حاشیه، نقوش<br>شکسته گل شاه<br>عباسی، ۸ پر<br>بزرگ، برگ بزرگ<br>و ساقه‌های شکسته | ترکیب‌بندی        |         |
| دال منابع طبیعی،<br>مدلول حیات و اصالت   | پیوند مادی و معنوی با<br>محیط زیست بختیاری.<br>قرمز تیره نمادی از<br>شجاعت و پیوند با خاک<br>زاگرس، کرم و سفید،<br>پاکی و سادگی زندگی<br>عشایری و سورمه‌ای و<br>آبی با آب و زندگی<br>پیوند دارد | کرم، قرمز (قارایی)،<br>آبی (خانی)، سبز و<br>زرد   | رنگ‌ها            |         |
| دال سادگی، مدلول<br>سنت عشایری           | خلاقیت ذهنی‌بافی،<br>بازنمایی تخیل بافنده   | گل‌های شاه‌عباسی<br>نصفه، نقوش<br>تجربیدی   | حاشیه             |         |
| دال تحرک و سلطنت،<br>مدلول شجاعت         | شیء کنشگر، نماد<br>قدرت و هویت عشایری   | نیم‌رخ، چشم‌ها و<br>ابروهای مشخص  | اسب               | محتوایی |
| دال زیبایی و عشق<br>عارفانه، مدلول آرامش | نماد زنانگی و هویت<br>بومی، مقاومت برابر<br>مدرنیته   | نشسته، ردای بلند<br>(جوه)، چهره با<br>نقوش شکسته  | شیرین             |         |
| دال فروتنی، مدلول<br>همراهی و تعادل      | مکمل تعادل و پیوند<br>اجتماعی   | قرینه، لباس<br>ساده‌تر  | ندیمه‌ها          |         |
| دال حیات و بهشت،<br>مدلول آرامش و تخیل   | بازتاب طبیعت<br>بختیاری، بستر خیالی<br>عشق  | ذهنی و خطوط<br>شکسته، بدون<br>جزئیات  | گیاهان<br>تجربیدی |         |
| دال عشق عارفانه،                         | کنشگری بافنده در  | خسرو و شیرین در   | صحنه              |         |

|                    |                             |       |         |  |
|--------------------|-----------------------------|-------|---------|--|
| مدلول قدرت و طبیعت | تلفیق داستان با تجربه زیسته | طبیعت | شکارگاه |  |
|--------------------|-----------------------------|-------|---------|--|

### نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تحلیل ساختار و معنای قالیچه تصویری بختیاری با مضمون «خسرو و شیرین» انجام شد تا چگونگی بازنمایی هویت فرهنگی عشایر بختیاری و نقش خلاقیت بافنده را بررسی کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که این قالیچه، فراتر از یک اثر هنری، محصولی چندلایه است که ساختار، محتوا و هویت را به گونه‌ای هماهنگ در هم می‌آمیزد. از نظر ساختاری، استفاده از پشم دست‌ریس، تکنیک تک‌پود، و رنگ‌های پخته با رنگرزی طبیعی مانند قرمز تیره (قارایی) نماد شجاعت، سورمه‌ای، آبی تیره (آبی خانی) نماد آب، کرم و سفید نماد پاکی و سادگی، سبز تیره و به خصوص زرد که در قالی‌های بختیاری نیز رایج‌اند، ریشه در سنت‌های بومی بختیاری دارند و با محیط زیست منطقه هم‌راستا است. از منظر محتوایی، صحنه شکارگاه، با خسرو سوار بر اسب و شیرین نشسته در طبیعت همراه دو ندیمه، عشق عارفانه‌ای را بازنمایی می‌کند که با قالی‌های قاجاری لیلی و مجنون هم‌سوست. پوشش بومی شیرین، شامل پیراهن بلند، و طراحی خیالی‌نگارانه آن، هویت محلی را در برابر نفوذ تصاویر فرنگی برجسته می‌کند. از دیدگاه انسان‌شناسی، قالیچه نتیجه کنشگری بافنده‌ای است که با انتخاب آگاهانه شکارگاه و حذف عناصری چون حیوانات، داستان نظامی را با تجربه زیسته خود بازآفرینی کرده و در برابر مدرنیته مقاومت نشان داده است. اهمیت این یافته‌ها در روشن کردن نقش قالیچه به‌عنوان سندی از تعامل سنت عشایری با جریان‌های قاجاری است. برای مثال، تأکید بر شکارگاه به‌جای صحنه‌های عاشقانه، احتمالاً بازتابی از زندگی بختیاری‌هاست که شکار در آن نمادی از قدرت و بقا بوده است. این انتخاب خلاقانه، قالیچه را از یک بازنمایی ساده ادبی به اثری با هویت متمایز تبدیل می‌کند و نشان می‌دهد که بافنده چگونه داستان را با فرهنگ خود پیوند

زده است. با توجه به شواهد میدانی و مقایسه‌های انجام شده، به نظر می‌رسد نقش بافندگان بختیاری در بازآفرینی داستان خسرو و شیرین تاکنون دست کم گرفته شده است. برخلاف تصور رایج درباره تقلید صرف از الگوهای قاجاری، زنان بافنده بختیاری با هوشمندی، عناصر بومی (مانند بافت با نقوش شکسته و ساده و رنگرزی طبیعی) را با روایت نظامی تلفیق کرده‌اند. این یافته جدید، نیاز به بازتعریف جایگاه فرش عشایری در تاریخ هنر ایران را مطرح می‌کند.

برای پژوهش‌های آینده، پیشنهاد می‌شود نقش بافندگان زن بختیاری در انتخاب مضامین ادبی با تکیه بر اسناد تاریخی یا مصاحبه با بافندگان معاصر بررسی شود تا تأثیر جنسیت بر خلاقیت روشن گردد. همچنین، تحلیل تطبیقی قالیچه‌های دیگر بختیاری با روش‌های میان‌رشته‌ای، مانند نشانه‌شناسی و تحلیل مواد، می‌تواند پیوند عمیق‌تر هنر و هویت را آشکار کند و درک جامع‌تری از این میراث فراهم آورد.

پی‌نوشت:

1. Ferdinand de Saussure
2. Alfred Gell

#### منابع

- آهنی، لاله (۱۴۰۳). «تبیین حضور زن فرنگ در قالی‌های تصویری دوره قاجار». مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال ۷، شماره ۷۶، ۱۰۹-۹۸.

<https://jonahs.ir/showpaper/9862615>

- باقری‌زاده، فاطمه و میرزایی، عبدالله (۱۴۰۲). بازتاب تصاویر زنان در قالی‌های تصویری دوره قاجار. فصلنامه نگره، شماره ۶۵، ۱۲۹-۱۱۱.

doi: [10.22070/NEGAREH.2021.14637.2791](https://doi.org/10.22070/NEGAREH.2021.14637.2791)

- تناولی، پرویز. (۱۳۶۸) *قالیچه‌های تصویری ایران*. تهران: انتشارات سروش.  
 - رشادی، حجت‌الله (۱۳۹۰). سیر تحول تصویربافی در فرش ایران از دیرباز تا امروز، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه شاهد*، چاپ نشده.

- رحیم‌پور، شهدخت و رشادی، حجت (۱۴۰۲). «جایگاه پیکره های زنانه و مردانه در قالیچه‌های تصویری کهنه‌باف سیستان از منظر سابقه تاریخی و فرهنگی با نگاهی به قالیچه‌های خواجه حافظ و خسرو و شیرین». نشریه مطالعات تاریخ فرهنگی (پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ)، شماره ۵۵، ۷۰-۲۷.

<https://search.isc.ac/dl/search/defaultta.aspx?DTC=8&DC=1397298>

- ژوله، تورج. (۱۳۸۱) فرش عشایری ایران. تهران: انتشارات یساولی.  
ذکاء، یحیی (۱۳۳۶). لباس زنان ایران از سده سیزدهم هجری تا امروز. تهران: اداره موزه‌ها و فرهنگ عامه- اداره کل هنرهای زیبای کشور.

- شوقی، زهرا (۱۳۹۵). بررسی تحولات در بازنمایی منظومه‌های لیلی و مجنون و خسرو و شیرین نظامی گنجوی در قالی‌های تصویری ایران از دوره قاجار تا امروز (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه هنر: تهران.

- شوقی، زهرا و کشاورز افشار، مهدی. (۱۳۹۹). «بازنمایی داستان لیلی و مجنون نظامی در قالی‌های تصویری ایران از دوره قاجار تا معاصر». نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، شماره ۳۰، ۳۴-۵. <https://www.magiran.com/p2295675>

- قانی، افسانه و مهربابی، فاطمه. (۱۳۹۷) «تحلیل معنای قالیچه تصویری بختیاری با روش آیکونولوژی پانوفسکی». نشریه هنرهای صناعی دانشگاه کاشان، سال اول، شماره ۲، ۱۱۱-۹۵. DOI: [10.22052/1.2.95](https://doi.org/10.22052/1.2.95).

- نوری، اکرم، موسی‌نژاد خبیصی، هما، و کشاورز افشار، مهدی (۱۳۹۹). «بررسی تصویر زن در قالی‌های عشایری نقش «نُه زن» با تأکید بر مؤلفه اجتماعی پوشش زنان عشایری». نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۲، شماره ۲، ۲۶۶-۲۵۱.

<https://civilica.com/doc/1771650/>

- نفیسی، سعید. (۱۳۴۵) تاریخ معاصر ایران از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۴ شهریور ۱۳۲۰. تهران: کتاب فروشی فروغی. ص ۶۰.

- Gell, A. (1998) *Art and Agency: An Anthropological Theory*.  
Oxford: Clarendon Press.
- Saussure, F. de (1916). *Course in General Linguistics*.  
Translated by W. Baskin. New York: McGraw-Hill.

### مصاحبه‌های حضوری

- حیدریان، ایرج. (۱۴۰۲) تولید کننده، صادر کننده و مجموعه دار مطرح دستبافته‌های استان چهارمحال و بختیاری، تاریخ مصاحبه و بازدید از مجموعه شخصی: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰.
- صمدی بهرامی، یوسف. (۱۴۰۳) مدرس رشته فرش در دانشگاه هنر تهران، کارشناس و ارزیاب مطرح و مجموعه دار دستبافته‌های عتیقه در بازار تهران.
- کریمی، نجف. (۱۴۰۲) تولیدکننده و تاجر قالی‌های استان چهارمحال و بختیاری، تاریخ مصاحبه و بازدید از مجموعه شخصی: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱.
- ویرایش ادبی قسمت‌هایی از این مقاله با هوش مصنوعی Grok3 انجام شده است.